

«تعالد» روند معاملات ابزارهای سرمایه گذاری را بررسی می کند

رکورد ورود نقدینگی به صندوق ها



نیاز اقتصاد ایران

صفحه ۴

شکاف میان دستمز دو تورم روایت زندگی کارگران در هفته ای به نام کارگر نیروی کار؛ سرمایه ای نادیده در اقتصاد ایران

صفحه ۸

چشم انداز بازار مسکن در ۱۴۰۵

جهش قیمت یا ادامه رکود تورمی؟

فروغمندا اعرابی، کارشناس بازار مسکن در این باره تأکید می کند: مسکن دیگر برای همه سرمایه گذاران مقصدی جذاب تلقی نمی شود. بخشی از سرمایه گذاران همچنان ممکن است...

در چنین فضایی، پرسش اصلی این است: آیا جهش قیمتی در راه است یا باید منتظر ریزش باشیم؟ یکی از نکات کلیدی که در تحلیل های اخیر به چشم می خورد، تغییر جایگاه مسکن در ذهن سرمایه گذاران است. هوشنگ

متغیرهایی همچون تنش های ژئوپلیتیک، نوسانات شدید ارزی، افزایش هزینه مصالح ساختمانی و کاهش مستمر قدرت خرید خانوارها، آن را به یکی از حساس ترین و غیر قابل پیش بینی ترین بازارهای اقتصادی کشور تبدیل

بازار مسکن ایران در سال ۱۴۰۵ بیش از هر زمان دیگری در معرض تلاقی پیچیده ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و حتی اقلیمی قرار گرفته است. دیگر نمی توان این بازار را صرفاً با منطق سنتی عرضه و تقاضا تحلیل کرد؛ چرا که

یادداشت - ۱

لزوم احیای زیرساخت ها و تقویت بخش خصوصی

در شرایطی که مذاکرات ایران با امریکا با میانجیگری اسلام آباد در حال برگراری است، نشانه های میدانی قابل توجهی وجود دارد که امریکا محاصره دریایی علیه ایران را تا حد زیادی کاهش داده است. دیروز خیر بارگیری ۶ میلیون بشکه نفت از جزیره خارک و انتقال آن به خارج از خلیج فارس رسانه های شد.

جداً از بحث مذاکرات و تلاش برای ترک محاصره، بازسازی زیرساخت های آسیب دیده در حوزه انرژی، پتروشیمی و برق، امروز به یک ضرورت غیر قابل انکار بدل شده است. ادامه وضعیت موجود بدون اصلاح سیاست ها و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی ممکن نیست.

برای عبور از بحران، باید از دلایلی واسطه گری و بزرگ تر شدن دولت پرهیز کرد و به سمت احیای زیرساخت ها و مدیریت مقامت منابع رفت. بخش قابل توجهی از مشکلات امروز، ریشه در فرسودگی یا آسیب دیدگی زیرساخت هایی دارد که سال ها بدون بازسازی اساسی مورد استفاده قرار گرفته اند و اکنون ادامه فعالیت در این شرایط، نیازمند تصمیم های فوری و اصلاحات ساختاری است. برق، بخار و گاز سه رکن اصلی در فعالیت مجموعه های پتروشیمی هستند و اگر هر یک از این اجزا دچار اختلال شوند، کل زنجیره تولید و بهره برداری با مشکل مواجه می شود. مجموعه هایی مانند فجر، مبین و دماوند ساختارهایی هستند که بخش قابل توجهی از برق صنایع پتروشیمی را تامین می کنند. برخی از این واحدها و زیرساخت ها در صورت برنامه ریزی درست می توانند طی چند ماه آینده تا حدود ۶۵ درصد به مدار باز گردند و ظرفیت های تولید پتروشیمی کشور را احیا کنند.

این بازگشت نه فقط یک ضرورت فنی، بلکه شرط لازم برای ادامه حیات بخش هایی از صنعت انرژی و پتروشیمی است. همچنین لازم است به موضوع صادرات نفت و تمدید معافیت های نفتی اشاره کرد. در کنار فشارهای ناشی از تحریم های جدید، همچنان امکان فروش و صادرات نفت وجود دارد؛ به ویژه با توجه به تاووم خرید نفت توسط چین. تکیه صرف بر این ظرفیت ها کافی نیست و باید همزمان به بازسازی زیرساخت های داخلی و بهره برداری درست از امکانات موجود اندیشید.

اگر نگاه مدیریتی تغییر نکند، حتی فرصت های بیرونی نیز نمی توانند به تنهایی مشکل ساختاری صنعت انرژی را حل کنند. یکی از محورهای مهم دیگر که باید زمینه اصلاح آن فراهم شود، حذف رویکردهای دولتی و واسطه گری در اقتصاد انرژی است. باید از «سلطان گری» و انحصار در حوزه هایی که به منابع و خدمات حیاتی کشور مربوط می شود، فاصله گرفت و به جای آن، ظرفیت های واقعی تولید و بخش خصوصی را تقویت کرد.

بخش خصوصی می تواند نقش مهمی در جابجایی، افزایش بهره وری و کاهش وابستگی به سازوکارهای بروکراتیک ایفا کند؛ البته به شرطی که دولت از گسترش غیرضروری خودداری کرده و مسیر را برای مشارکت واقعی این بخش هموار سازد. موضوع نیروگاه های غیرمتمرکز و برق آزاد برای واحدهای صنعتی نیز موضوع مهم دیگری هستند. مدلی که یکی از راهکارهای موثر برای عبور از ناترازی انرژی است، زمانی که شبکه سراسری برق با فشار و محدودیت روبه رو است، استفاده از ظرفیت های محلی و متنوع می تواند بخشی از نیاز صنایع را تامین و از توقف یا کاهش تولید جلوگیری کند. در برخی موارد، واردات موقت برای جریان کمبودها می تواند یک راه حل کوتاه مدت باشد، اما اصل ماجرا همچنان به اصلاح سیاست ها و احیای زیرساخت ها بازمی گردد.

باید توجه داشت که سیاست های گذشته دیگر پاسخگوی شرایط امروز نیستند و نمی توان با همان الگوهای قدیمی، بحران های جدید را مدیریت کرد. کشور در شرایطی قرار دارد که تصمیم های مبتنی بر واقعیت، شفافیت و بهره گیری از ظرفیت داخلی بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. **ادامه در صفحه ۴**

شش کریدور جدید تجاری برای انتقال کالا انتخاب شدند

سپر تجاری ایران در برابر محاصره

تعالد | محاصره بنادر و اختلال در مسیرهای دریایی، اگر چه در ظاهر می تواند تجارت یک کشور را زمینگیر کند، اما برای ایران به نقطه عطفی در بازارایی ژئواقتصادی کریدورها تبدیل شده است. آنگونه که مقامات سازمان توسعه تجارت اعلام کرده اند، همزمان با افزایش ریسک های دریایی، سیاست گذار با فعال سازی کریدورهای جایگزین زمینی و ریلی، احیای مسیرهای متوقف شده و طراحی شش مسیر پشتیبان، عملیات استراتژی تجارت خارجی را از اتکالی غالب به راه های سمت تنوع بخشی کریدوری سوق داده است. این چرخش...

صفحه ۷ را بخوانید

تورم، چالش ماندگار اقتصاد ایران ثبات نسبی بازارها زیر سایه جنگ

در شرایطی که اقتصاد ایران طی ماه های گذشته با یکی از پیچیده ترین دوره های خود مواجه بوده، بررسی روندهای کلان اقتصادی نشان می دهد که ترکیبی از فشارهای بیرونی و چالش های ساختاری داخلی، مسیر تصمیم گیری را برای سیاست گذاران دشوارتر از همیشه کرده است. جنگ ۴۰ روزه با امریکا و اسرائیل، به عنوان یک شوک ژئوپلیتیک کمبیسلفهمی نوانسب به طور طبیعی موجب ثباتی گسترده در بازارهای مالی، افزایش انتظارات تورمی و جهش های شدید در نرخ ارز و طلا شود. باین حال، آنچه در عمل رخ داد، تا حدی متفاوت از سناریوهای بدبینانه اولیه بود.

صفحه ۲ را بخوانید

یادداشت - ۴

استقبال بنگاه ها از حمایت ها

حمایت از کسب و کارها و بنگاه های اقتصادی در قالب اعطای سریع تسهیلات به منظور حفظ نیروها اقدام مناسبی است. بدیهی است که کسب و کارها بر اثر جنگ صدمه دیده اند و ادامه حیات آنها نیازمند کمک های جدی دولت است. به ویژه این موضوع اهمیت دارد که دولت سیاست هایی را در راستای جلوگیری از تعدیل نیروها در پیش بگیرد. در شرایط خاصی به سر می بریم و نیازمند اعمال سیاست های ویژه ای به منظور دسترسی سریع بنگاه های اقتصادی در تسهیلات هستیم. اگر قرار باشد بروکراسی معمول برای پرداخت تسهیلات در نظر گرفته شود، اعتبارات، دیر هنگام به دست بنگاه ها می رسد. بر همین اساس، اقدام وزارت اقتصاد مبنی بر حذف بروکراسی پرداخت تسهیلات در سامانه کلت مشیت ارزیابی می شود. تسهیلات حمایتی از بنگاه های خرد و متوسط از سوی دولت ذیل سامانه کلت با حداقل بروکراسی و به صورت هدفمند مبتنی بر عدم تعدیل نیروها توسط صاحبان بنگاه ها پرداخت شده است و موجب جلوگیری از وقوع بیکاری در شرایط جنگ و پسا جنگ خواهد شد. هر اقدامی که در راستای به کار انداختن اعتبارات بانکی در زمینه اشتغال باشد به عدم تعدیل نیرو توسط بنگاه های اقتصادی منجر شود، مثبت است. نیاز است سازمان تامین اجتماعی در شرایط فعلی هم راهی تسهیلی با کسب و کارها داشته باشد. به طور مثال، در نظر گرفتن تخفیف در مالیاتی که بنگاه های اقتصادی باید بپردازند یا دادن فرصت بیشتر به بنگاه ها برای پرداخت حق بیمه و دیگر مطالبات می تواند کمک کننده باشد. جنگ شرایط خاصی را بر کشور تحمّل می کند. بنابراین نمی توان با همان سیاست هایی که در زمان صلح وجود داشت، به کنترل امور پرداخت. بر همین اساس، نیاز است سیاست های ویژه ای به اجرا گذاشته شود؛ اینکه سیاست ها طوری طراحی شده است که اگر بنگاه اقتصادی بعد از دو ماه از تاریخ دریافت تسهیلات به تعدیل نیروی مورد نظر اقدام نکند، مبلغ را با سود کمتری بازپرداخت می کند. مشوق خوبی در راستای حفظ نیروهاست. همچنین تسهیل شرایط کسب و کار در کشور می تواند مدنظر باشد و اثر خوبی بر افزایش زمینه فعالیت اقتصادی در کشور داشته باشد. در شرایط فعلی نیازمند همدلی همه نهادها و ارگان ها هستیم و دولت باید به طور جدی حمایت از بنگاه های اقتصادی را مدنظر داشته باشد. اجرای سیاست هایی مانند اعطای سریع تسهیلات به بنگاه های کوچک و متوسط می تواند در افزایش روحیه افراد برای ادامه فعالیت موثر باشد. بنگاه های کوچک و متوسط نسبت به شرایط حساسیت دارند و از آنها صدمه می بینند. به همین دلیل باید تحت حمایت قرار بگیرند. اما بنگاه های بزرگ نیز نیازهای خاص خودشان را دارند و با حمایت از آنها نیز به لحاظ مالیاتی و تامین اجتماعی مدنظر باشد.



علیرضا کریمی

یادداشت - ۲

چرا ایران با دست باز تری پای میز مذاکره می رود؟

در همین چارچوب، سفر آقای عراقچی به اسلام آباد و نیز تماس ها و رایزنی های منطقه ای، معنای دیگری پیدا می کند. این سفرها در متن خود نه به عنوان تحرکات عادی دیپلماتیک، بلکه به عنوان بخشی از یک آرایش بزرگ تر منطقه ای تصویر می شوند، یعنی ایران در حال شکل دادن به شبکه ای از رایزنی هاست که هدف آن تقویت موقعیت تهران در معاللات جدید است. اسلام آباد، مسکو و مسقط در این روایت جدید چند پایتخت نیستند، بلکه حلقه هایی از یک استراتژی هستند که می خواهد فشارهای بیرونی را مدیریت و وزن ایران را در معادله مذاکره حفظ کند. نکته مهم دیگر غیر مستقیم بودن مذاکرات است. گوینده توضیح می دهد که ایران برای ورود به گفت و گوی مستقیم، پیش شرط هایی دارد و تا زمانی که وضعیت میدانی و تنش های پیرامونی روشن نشود، امکان عبور به مرحله مستقیم فراهم نیست. دیپلماسی مورد نظر، یک دیپلماسی شتاب زده یا نمایشی نیست، بلکه دیپلماسی ای مشروط، مرحله بندی شده و مبتنی بر محاسبه قدرت است. در چنین روایتی، ابتدا باید

حساس ترین ابراهای جهان، در وضعیتی قرار گرفته که می تواند در مذاکرات از موضعی متفاوت سخن بگوید. نقطه اصلی بحث، تنگه هر مز است؛ گذرگاهی که در این روایت نه فقط یک مسیر دریایی، بلکه یک اهرم راهبردی معرفی می شود. هرگونه اختلال در این مسیر می تواند بر بازار جهانی انرژی اثر فوری بگذارد و همین ویژگی، ایران را به بازگیری تبدیل کرده که سخنش در معادلات منطقه ای و فرمانطقه ای جدی گرفته می شود. از این منظر، مساله صرفاً توان نظامی یا ظرفیت بازآرندگی نیست، بلکه تبدیل یک موقعیت جغرافیایی به ابزار چانه زنی سیاسی است. ایران در مذاکرات تازه، از جمله در ارتباط با امریکا، با دست خالی وارد نشده است.

تهران به واسطه شرایط میدانی و توان اثرگذاری بر انرژی، توانسته سطحی از بازآرندگی تحولات روز نیست، بلکه روایتی است از این ایده که قدرت میدانی، مستقیماً به قدرت دیپلماتیک تبدیل شده است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، ظرفیت اثرگذاری بر جریان انرژی و امکان ایجاد فشار در یکی از

عراقچی دیروز پس از دیدار با نخست وزیر پاکستان و رایزنی با برخی مقامات منطقه ای پیام و پیشنهاد ایران را تحویل مقامات پاکستانی داده و سپس از اسلام آباد راهی ایران، مسقط و مسکو می شود. در شرایط تازه مذاکرات، به ویژه با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیک و نقش اثرگذارش در تنگه هرمز، از اهرم فشار مهمی برخوردار است. تحولات میدانی و انرژی، وزن سیاسی تهران را در رایزنی های اخیر افزایش داده و سفرها و تماس های دیپلماتیک اخیر نیز باید در همین چارچوب فهم شوند. آنچه اخبار گویای آن است اینکه این دیدارها صرفاً یک تحلیل مقطعی از تحولات روز نیست، بلکه روایتی است از این ایده که قدرت میدانی، مستقیماً به قدرت دیپلماتیک تبدیل شده است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، ظرفیت اثرگذاری بر جریان انرژی و امکان ایجاد فشار در یکی از



حسن هانی زاده

عراقچی دیروز پس از دیدار با نخست وزیر پاکستان و رایزنی با برخی مقامات منطقه ای پیام و پیشنهاد ایران را تحویل مقامات پاکستانی داده و سپس از اسلام آباد راهی ایران، مسقط و مسکو می شود. در شرایط تازه مذاکرات، به ویژه با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیک و نقش اثرگذارش در تنگه هرمز، از اهرم فشار مهمی برخوردار است. تحولات میدانی و انرژی، وزن سیاسی تهران را در رایزنی های اخیر افزایش داده و سفرها و تماس های دیپلماتیک اخیر نیز باید در همین چارچوب فهم شوند. آنچه اخبار گویای آن است اینکه این دیدارها صرفاً یک تحلیل مقطعی از تحولات روز نیست، بلکه روایتی است از این ایده که قدرت میدانی، مستقیماً به قدرت دیپلماتیک تبدیل شده است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، ظرفیت اثرگذاری بر جریان انرژی و امکان ایجاد فشار در یکی از

یادداشت - ۳

بازار در آستانه عبور از شوک ها

چنین شرایطی انتظار نمی رود که مفهوم صلح یا آتش بس زمانبندی دقیق داشته باشد؛ ممکن است ماه ها طول بکشد تا ساختار سیاسی و امنیتی به ثبات پایدار برسد. اما بازار ناگزیر است و این واقعیت سازگار شود. تجربه سه سال گذشته نشان داده که بازار سرمایه از مرزهای عبور کرده که هر خبر و هر شوک بتواند آن را فلج کند. از «جنگ ۱۲ روزه» تا دیگر تنش ها، بازار به تدریج رفتاری بالغ تر از خود نشان داده و توانسته در برابر موج های خبری، واکنش های متعادل تری ارائه دهد.

بازگشایی بازار بدون طراحی ابزارها و سازوکارهای حمایتی امکان پذیر نیست. زیرساخت هایی نرم افزاری، مقرراتی و حمایتی طراحی شده که در صورت بروز تنش دوباره، قابل فعال سازی خواهد بود. این ابزارها قرار است در ساعات ابتدایی بازگشایی بازار نقش آهکنده فشار فروش را ایفا کنند؛ فشاری که بخشی از آن ناشی از نگرانی های انباشته طی هفته های اخیر است. همچنین بازار در ساعات

و اکنون بیشتر از آنچه لازم بوده به طول انجامیده است. در واقع، این وقفه در آغاز به عنوان یک اقدام احتیاطی و محافظتی پذیرفته شد؛ اما با گذشت زمان و در حالی که نشانه های ثبات نسبی در فضای عمومی کشور نمایان شده، ادامه آن می تواند هزینه هایی برای اعتماد، کارآمدی و حتی اعتبار بازار به همراه داشته باشد. بخش قابل توجهی از التهاب های اخیر به تحولات سیاسی و جنگی مرتبط بود؛ تحولاتی که در مقاطع مختلف، به ویژه پس از جنگ رمضان شدت گرفته و بازار را ناچار به توقف فعالیّت کرده بود.

با نزدیک شدن به زمان احتمالی بازگشایی بازار، طولانی تر شدن توقف معاملات می تواند ثبات منفی برای ساختار بازار سرمایه به همراه داشته باشد. بازار به طور تاریخی نشان داده که ظرفیت تحمل بحران ها و شوک های چندلایه را دارد، اما استمرار وقفه در دادوستدها، ریسک های ناشناخته ای را ایجاد می کند که ممکن است به اعتماد عمومی آسیب بزند. حالا و پس از هفته ها تعطیلی، نشانه ها حاکی از آن است که بازار در آستانه ورود به مرحله تازه قرار دارد؛ مرحله ای که برخی آن را «بازگشت تدریجی به فعالیت در سایه تحولات دیپلماتیک» توصیف می کنند.

توقف معاملات در شرایط فعلی، آن کار کرد اولیه ای را که در روزهای ابتدایی بحران داشت از دست داده است. کاهش تنش هاست.



بهمن فلاح

سامانه پیامکی روزنامه تعادل به شماره ۳۲۰۰۵۳۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می توانند نظر ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.